



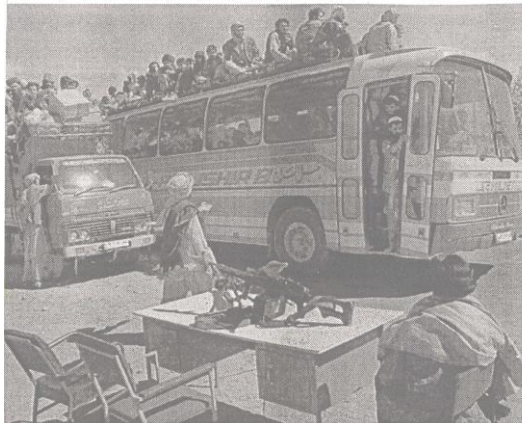
۲۰۱۲/۰۷/۲۵



عبدالحكيم سامع

## طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد! (قسمت دهم)

در رابطه با حادثه ۲۷ «سپتمبر» ۱۹۹۶، که مصادف است، با دخول «طالبان» به شهر کابل و «فرار حکومت» و قوای آن، بشمول همه افراد مسلح «تنظیم های جهادی» سهم در قدرت، عکس العمل روسیه را «رپورتر» روز نامه، علامت ناشی از «نا آرامی»، قبل از همه، نا آرامی «ازبکستان» و «تاجیکستان» به ارتباط موفقیت های اخیر «افراطیون اسلامی طالب» می داند. «نویسه راینشه سابتونگ» بتاريخ ۷ اکتوبر ۱۹۹۶، در شماره ۲۳۶ آن روزنامه می نویسد: «نقش مسکو را در افغانستان در روسیه با چشم انتقادی می نگرند. ۱۵۰۰۰ عسکر آن در جنگ ده ساله زندگی خود را از دست داده اند، که در ۱۹۸۹ با عقب کشیدن قوای شوروی خاتمه یافت.» بنا بر طرز دید «نیکولشین»، عضو اتحادیه عساکر سابق جنگ در افغانستان در مسکو، که گفته است «قوای روسیه هیچگاه نباید به افغانستان هجوم می برد. وقتی صورت گرفته بود، نباید با چنین سرعت عقب نشینی میکرد.» به ادامه از زبان «ایونا اندرونوف»، که بحیث «ژورنالیست» در باره جنگ افغانستان گزارش می داده است، بعداً در بخش تبادل «اسرای جنگی» رابطه داشته است، می گوید «هجوم نظامی ۱۹۷۹»، یک «اشتباه بوده است» او «انتقاد آمیز» یاد آور گردیده است، که «رهبری کریملن» از گذشتگان خود هیچ چیزی نیاموخته است.



Soldaten der Taliban-Milizen durchsuchen etwa 70 Kilometer nördlich der afghanischen Hauptstadt Kabul alle Fahrzeuge nach Waffen, Munition oder verbotenen Musikkassetten. Auf dem Schreibtisch liegt ein Maschinengewehr. Foto: ap

این روزنامه می نویسد، که هفت سال بعد از برگشت، قوای شوروی از افغانستان، روسیه، انکشافات اوضاع در افغانستان و گرفتن قدرت را توسط بنیادگرایان اسلامی با افسوس و دلسردی، تعقیب می نماید. «نیکولشین»، اظهار می دارد: «همه آنچه که ما برای آن جنگیدیم، همه به پارچه پارچه و خاکروبه میدل گردیده است.» کسانی را که ما، از آنها «حمایت نمودیم، مرده اند.» حال اتحاد کشور های مستقل «(GUS)»، از «بنیادگرایان بیم» دارند.

در ختم جلسه در «الماتا»، رؤسای حکومت روسیه، تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان، قرغیزستان، تصامیم متقابل را اعلان داشتند، در صورتیکه منازعه افغانستان از مرز آن پای فراتر گذارد. بر اساس همین گزارش درین فرصت، قسمت های وسیع کشور افغانستان، تحت کنترل «طالبان» قرار دارد.



Auf der Suche nach einem sicheren Ort flieht diese afghanische Mutter mit ihren Kindern gestern durch die karge Gebirgsregion um die Hauptstadt Kabul. Sie verließ ihren Heimort Serai Khoja - 30 Kilometer nördlich von Kabul - nachdem sich dort die radikal-islamischen Taliban mit den Truppen der abgesetzten Regierung schwere Kämpfe lieferten. NR 2, 17.07.96 Foto: dpa

در شمال کشور، فقط «سرکرده ملیشه های ازبک، رشید دوستم، و وزیر دفاع سابق، احمد شاه مسعود، که با وابستگان پیروان خود، به دره پنجشیر عقب نشینی نموده است، ایستادگی کرده اند.» رئیس جمهور «برهان الدین ربانی و صدراعظم گلبدین حکمتیار، از «هفته قبل بدینسو در حال گریز اند.» شدت جنگ در شمال کابل، مردم دهات آن مناطق را از جای بی جای ساخته است. به سرگذشت این خانم و اطفال توجه فرمائید: ترجمه متن زیر این عکس منتشره بتاريخ ۱۷ اکتوبر ۱۹۹۶ در روزنامه «نویسه راینشه سابتونگ»: «در جست و جوی یک محل مصئون تر، این مادر افغان با اطفال خود دیروز از طریق کوه های خشک، بهدف کابل براه افتاده است. او خانه و محل زیست خود را در سرای خوجه - در 30 کیلومتری شمال کابل - ترک نموده است، بعد از اینکه در آنجا، افراطیون - اسلامی طالب، با قوای

د پانو شمیره: له 1 تر 5

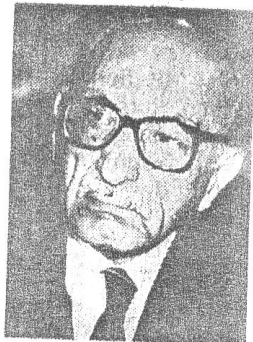
افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکني دليکني بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورلو مخکي په خير و لولي

## حکومت مخلوع به جنگ شدید پرداخته اند.

بر اساس همین منبع، در جلسه سران»، روسیه و تاجیکستان، روز شنبه، بسطخ رئیس جمهور تاجیکستان امام علی رحمانف، وزیر خارجه روسیه، «یوگنیف پریماکوف» فیصله بعمل آمده است، تا از سرحدات «تاجیکستان-افغانستان» مواظبت شدیدتر صورت گیرد. (در پای عکس همین روزنامه که بالاتر نشان داده شده است، می خوانیم: «عساکر ملیشه های - طالبان، در فاصله حدود 70 کیلومتر در شمال پایتخت افغانستان، کابل، وسایط نقلیه را کنترل مینمایند. روی میز تحریر «تفنگچه ماشیندار» قرار دارد.

سرعت پیشرفت طالبان درین جنگ، بخصوص بعد از سال ۱۹۹۶، چنان انتباه بدست می دهد، که هم در داخل کشور و هم در خارج، حلقات بی شماری را ممکن «غافلگیر» ساخته باشد. علاوه عاری از احتمال نیست که بسیاری از آن «ملاها» و «مجاهدین» ایکه، در سال، ۱۹۹۴ از هدف خلع سلاح «تنظیم ها و جنگ سالاران» پیروی می نموده اند، بتدریج در قید «افراطیون» درآمده باشند و با «عطش قدرت تنهائی» از واقعیت های عینی بیگانه شده باشند. در صورتیکه رهبران و یا اقل قوت های سالم آنها، نبض زمان را می توانستند، اندازه گیری نمایند، حتماً بر «چهره متحد کننده، چون پادشاه سابق که صاحب نظران خارجی در وجود ایشان، چنین خصوصیت را دیده بودند، برای یک سیاست «پلورالیستی»، با هویت ملی ایکه شایسته کشور و مردم آن بوده می توانست، به اهداف انسانی نائل آیند.



Muhammad Zaher Shah war bis zu seinem Sturz 1973 König Afghanistans. Jetzt will der 81jährige in das Land zurückkommen.

Foto: AP

بشریت در گذشته نتایج منفی و نا گوار سیاست های «دیکتاتوری» و حاکمیت های مختلف شکل یک حزبی را دیده است. در واقعیت امر وظیفه رهبران طالب است، اگرچنین رهبران موجود باشند، تا خود نواقص سیاسی گذشته خود را درک می نمودند، که سیاست های کهنه یک حزبی چه از راست باشد و چه از چپ، جنبه عملی نیکو ندارد. در آغاز که عمل و حرف آنها با هم تقرب بیشتر نشان می داده است و با نیاز مندی کشور جنگ زده مطابقت داشته است، مردم هم برای آنها فرصت داده اند. در رابطه با انتظارات در داخل کشور، نمونه های زیادی از علایم که به مردم، برگشت صلح بوطن را وعده می داد، در قسمت های قبلی هم تذکار یافته است. یکی ازین امید ها،

«دو باره احیاء یا «ریستوریشن» (restoration) سیستمی بوده است که باید، «فضای وحدت ملی» و ثبات دوباره را به ارمغان می آورد. در آنوقت وقایع خونین را بعضی از صاحب نظران، با درد های یک خانم در مرحله ولادت طفل و خوشی لحظه بعد از آن وعده می داده اند. نقش تجمع دهنده نیرو های وسیع را محافل وسیع در وجود و در مشی پادشاه سابق می دیده اند. در قسمت های قبلی، بعنوان مثال از «مجله مصور» «فوکوس» نقل نمودیم. حال چون مجموعه زیادی از گزارشات مطبوعاتی، با تفصیل بیشتر نوشته اند، بی ربط نخواهد بود، هرگاه نمونه های چندی از تبصره های نشرات غربی را از نظر بگذرانیم:

نخست به روزنامه «نویس دویچلند» تاریخ اول اکتوبر ۱۹۹۶، چاپ آلمان نظر می اندازیم که مطلبی را تحت عنوان درشت، بدین محتوا نشر نموده است: «افغانستان - برگشت به پادشاهی. پادشاه سابق ظاهر شاه می خواهد دوباره حکومت نماید». گزارش را شخصی بنام «توماس روتیگ» (Thomas Ruttig). قبل از متن اصلی گزارش می خوانیم: «از ۲۳ سال بدینسو در ایتالیه در مهاجرت زندگی می کند: پادشاه وقت محمد ظاهر شاه. از بازی سیاسی هیچوقت خارج نبوده است.»

(در سمت راست عکس: «محمد ظاهر شاه تا سال ۱۹۷۳ پادشاه افغانستان بود. حال ۸۱ سال عمر دارد، می خواهد بکشور خود برگردد.»)

این آمادگی برگشت به کشور را در «روم»، به نماینده سازمان ملل متحد، دیپلمات آلمانی، «نوربرت هول» (Norbert Holl)، اظهار داشته است. در عین زمان تذکر رفته است، که منتظر دعوتنامه از جانب طالبان می باشد. «البته پیشنهاد سال ۱۹۹۳ خود را، مبنی بر ضرورت عملی نمودن یک مرحله «عبوری» در کابل مطرح نموده است. نخست یک «شورای ملی مؤقت»، تا یک رئیس دولت انتخاب نماید، در تحت حمایت اودرین مرحله یک قانون اساسی

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

عبوری بوجود آمده راه را برای لویه جرگه - یک جلسه قومی عنعنوی - و انتخابات هموار سازد. غیر مستقیم طالبان از جانب خود در مقابل حرکت مثبت نشان داده اند، وقتی در اخیر هفته، یک «شورای مؤقت» را ایجاد نمودند.»

در همین گزارش «راپور دهنده» می نویسد که: «سخنگوی سیاست خارجی طالبان شیر محمد عباس، اعلان نموده است، که حکومت آینده باید از جانب یک «شورای ملی اسلامی» انتخاب گردد. درین شورا علمای افغانی و سیاستمداران مقیم خارج نیز شامل باشند، جائیکه پیروان زیاد پادشاه سابق حضور دارند.....»

مانند همه منابع نشراتی غرب، آخرین نیروی مخالف طالبان را قوای «جنرال ازبک عبدالرشید دوستم» دانسته، از زبان معاون او بنام محمد یوسف، روز دوشنبه همان هفته، اظهارات «آشتی نا پذیر» شنیده که گفته است: «ما انرا برسمیت نمی شناسیم.» در عین زمان مدعی شده، ادامه می دهد: «هر گاه طالبان بخواهند حکومتی را تشکیل دهند، باید با دوستم مشوره نمایند. در یک دیدار خود در ماه می در اضلاع متحده امریکا، دوستم اعلام داشته بود، که «هیچ یک حکومت بنیادگرا رانمی پذیرد.» به ادامه این «معاون دوستم» گفته است، در صورتیکه پادشاه در وضعیتی قرار داشته باشد، که وحدت و حاکمیت افغانستان را تأمین نموده و حقوق اقلیت ها را برسمیت بشناسد، در آنصورت او از بازگشت آن حمایت می نماید.»

همین خیر نگار می نویسد که «افغانهای مهاجر، در عقب انکشافات اخیر واشنگتن را می بینند.» می گویند «اضلاع متحده امریکا از دیر زمان تصمیم خود را برای پادشاه اتخاذ نموده است. از زبان شخصی بنام «معراج امیری»... از «شورای دیموکراسی در افغانستان» می نویسد که گویا «طالبان باید راه را برای ذخایر گاز و تیل ازبکستان و قزاقستان، از طریق افغانستان باز نمایند.» واقعبیت اینست که صاحب نظران افغانی زیاده تر اشتباهی شایعه پراگنی و حدسیات را از خود نشان می دهند.

از زبان سخنگوی حزب وحدت در آلمان همچنان می نویسد، که «حزب او در صف دوستم علیه طالبان خواهد جنگید»،



Zahir Shah - das afghanische Volk glaubt an ihn wie an einen Mythos

گفته است که «طالبان در سال ۱۹۹۵ رهبر آن حزب عبدالعلی مزاری و مشابه به آن رئیس جمهور سابق نجیب الله را بقتل رسانیده اند.»

نشریه دیگر آلمانی زبان، در شماره ۴۱ مؤرخ دهم اکتوبر ۱۹۹۶ با نشر این عکس در وسط صفحه گزارشی را تحت عنوان ذیل با سوالیه: **پدر متحد کننده ملت؟** بدست نشر سپرده اند. قریب شش سال بعد، همین لقب تحقق یافت. (در سطر زیر عکس می خوانیم: «ظاهر شاه - مردم افغانستان به او مانند یک اسطوره باور دارند.»)

در سطر بالائی، این نشریه نوشته شده است:

«افغانستان: بار دیگر صدای برگشت پادشاه ظاهر شاه طنین انداز شده است.»

عسکر سابق روسی ادامه داده، در رابطه با نگرانی «جمهوری های سابق شوروی اظهار می نماید، که: «آنها نه تنها «از یک انقلاب اسلامی در کشور های آنها، بیم دارند»، بلکه از یک موج جدید «مهاجرین» نیز بتشویش اند، در صورتیکه «طالبان»، نوع «اسلام شدید» یا نوع تند رو خود را در شمال نیز عملی سازند.»

همین روزنامه می نویسد: «زمانیکه یکماه قبل، محاربه در سمت شمال هندوکش بوقوع پیوست، گفته می شود که گویا ۱۰۰۰۰۰ انسان در نقاط نزدیک عبوری سرحد با تاجیکستان تراکم نموده بودند.»

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

منبع علاوه می کند که با شنیدن این اخبار: «طالبان با عجله تلاش ورزید، تا سرعت همسایگان را به نرمش بکشاند. وزیر خارجه ملا محمد عوث، در اسلام آباد، پایتخت پاکستان اظهار داشت، که حکومت آن از یک سیاست شدید عدم مداخله در امور کشور های دیگر، پیروی می نماید. پاکستان، روز یکشنبه، دو روز قبل از نشر این گزارش (25.05.1997)، بحیث اولین کشور حکومت طالبان را برسمیت شناخت. گوهر ایوب خان وزیر خارجه پاکستان، ابراز امیدواری نموده است، که کشور های دیگر و سازمان های بین المللی نیز این قدم را بردارند.»

از زبان عبدالملک (جنرال عبدالملک، که مسمی به پهلوان نیز می باشد) «از همراهان سابق دوستم، که کم از کم از علاقمندی او به واین و موسیقی، اطلاع در دست است،» خبر داده می شود که حال در شمال نیز «حقوق سلامی» یا



Der Sieg im Norden Afghanistans ist für die Taliban-Milizen ein wichtiger Erfolg zur Beherrschung des gesamten zentralasiatischen Landes. Foto: ap

شریعت اسلام، مرعی الاجرا خواهد بود. درختم همان هفته، بر اساس گزارشات مطبوعاتی پاکستان، صدها شاگرد مدارس اسلامی پاکستان، کشور را ترک گفته اند. آنها در مسیر راه، بسوی شمال افغانستان روان شده اند، تا «پس از شمشیر از کتاب مقدس پیروی نمایند.»

در پای همین تصویر، که آنها را جنگی های «طالب» قلمداد نموده اند، می خوانیم: «پیروزی در شمال افغانستان، برای «ملیشیه های – طالب» مؤفقت مهمی است، در امر حاکمیت آن، بر تمام این کشور آسیای میانه» (آیا تصادف است، که همه لنگی ها تقریباً یک رنگ انتخاب نموده اند؟)

چهار شنبه مؤرخ ۱۹ «نومبر» ۱۹۹۷، سازمان ملل متحد اعلام داشت که موضوع «بررسی» «قبر های مجموعی» افغان را در پیش گرفته است. بر اساس همین گزارش «کوفی عنان» سرمنشی سازمان ملل متحد، به مأموران آن سازمان در افغانستان وظیفه سپرده است، تا «قبر های کشف شده جمعی افراد جنگی طالبان» را در شمال افغانستان بررسی نمایند. سخنگوی «کوفی عنان»، «فرید ایکهارد»، اظهار داشته است، که او را خبری که دو روز قبل شنیده ، خیلی «نگران» ساخته است. در متن میخوانیم: «قوای رهبر ملیشه، عبدالرشید دوستم، گفته است که، بیش از بیست قبر مجموعی را در مجاورت مقام رهبری یا مرکز قوا، که قبلاً شدید ترین جنگ ها، درین سال صورت گرفته است، یافته اند. باشندگان محل گفته اند، که درین قبر ها، حدود ۲۰۰۰ جسد را جای داده اند.»

پنجشنبه ۲۰ «نومبر» ۱۹۹۷، حکومت «طالبان» از سازمان ملل متحد، تقاضا بعمل آورد، تا «قاتلین» عساکر آنها که اجساد آنها در «قبر جمعی» کشف گردیده اند، بدست «عدالت» سپرده شوند، تا به جرم «جنایت علیه بشریت» به جزای خود برسند. دوستم در آنزمان این «جرم جنائی» را به پای «ملک» بند دانسته است. تا اکنون تحقیقات دقیق و نتایج «فرونزیک»، در دسترس نویسنده قرار ندارد.

سه روز بعد، بر اساس گزارش روز یکشنبه ۲۳ «نومبر» ۱۹۹۷ خیر رسانی «بی. بی. سی.» می رساند ، کهقوای تحت فرماندهی «عبدالرشید دوستم»، ولایت «فاریاب»، محل تولد یا سکونت اصلی، «جنرال عبدالملک» را تسخیر نموده، عبدالملک خود از کشور بخارج فرار اختیار می کند. بر اساس «دستور عبدالرشید دوستم» تعدادی از «رهبران بلند رتبه طالبان از زندان در شمال کشور رها می گردند.»

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مقامات «طالبان» تعداد آنها را چهار نفر نامیده اند، که پس از ماه ها از زندان «شمالغرب کشور» آزاد و به قندهار برگشته اند. این چهار عضو بلند پایه عبارت بوده اند از: عبدالرزاق والی سابق هرات، وزیر هوائی ملکی محمد منصور، و دو عضو شورای عالی، محمد صادق (Mohammad Sadeq) یا محمد صدیق و هادی فضل محمد (Hadi Fazal Mohammad). سخنگوی «طالبان». همچنان اظهار نموده است، که به نسبت خستگی با «ژورنالیستان» دیدار نداشته اند.

ختم قسمت دهم  
ادامه دارد ...

---

د پانوی شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ